

# کارگران همه کشورها متحد شوید!

جنبش اعتصابی کارگران در سال ۵۷ و ویژگی‌های آن

یکی از فرازهای جنبش کارگری و سندیکایی زحمتکشان حضور یکپارچه طبقه کارگر در انقلاب بهمن و درهم‌شکستن

دیکتاتوری شاه و سلطه امپریالیسم بود. از اوایل مهرماه سال ۱۳۵۷ و پس از اعلام برقراری حکومت نظامی، کارگران، کارمندان، و دیگر زحمتکشان ایران اعتصاب‌هایی دامنه‌دار را آغاز کردند. ویژگی نخست این اعتصاب‌ها مشارکت گسترده و فعال زحمتکشان یدی و فکری در کلیه رشته‌های تولیدی صنعتی، کشاورزی، ماشین‌آلات و ابزارسازی، حمل‌ونقل و رشته‌های خدماتی در عرض مدتی بسیار کوتاه بود. حضور کارگران صنعتی ایران به‌ویژه کارگران صنایع ذوب‌آهن و معادن، نفت، ماشین‌سازی، برق، راه‌آهن، نساجی، و نظایر آن، ویژگی دوم و بسیار مهم اعتصاب‌های سال ۵۷ بود. اعتصاب ابتدا با سازمان‌دهی کارگران و کارکنان صنعت ملی نفت آغاز شد. اعتصاب‌های محلی و رشته‌ای ابتدا کوتاه‌مدت یعنی دو تا سه روزه بودند. این اعتصاب‌های محلی و کوتاه‌مدت تا پایان مهرماه سال ۵۷ به‌دراز کشید و سپس اعتصاب سراسری فراروید. ویژگی سوم که باید به‌دقت به آن توجه کرد طرح خواست‌های صنفی با ماهیت سیاسی بود. خواست افزایش دستمزدها، تغییر قانون کار رژیم سلطنتی که مهر و نشان کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را برپیشانی داشت

برگ بانی از تاریخچه جنبش کارگری و سندیکایی مین ما



نامۀ مردم  
ضمیمه کارگری

ازگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۶۶، ۱۴ آذر ۱۴۰۱



تبغ دیکتاتوری بر گلوی زحمتکشان! یورش هم‌زمان رژیم ولایت فقیه به خیزش مردمی و جنبش کارگری

با رشد و گسترش خیزش مردمی در سه ماه اخیر، ولی فقیه از گسترش اعتصاب‌های کارگری نگرانی خود را ابراز کرده است. او با اشاره به "نامگذاری سال‌های متعدد با شعارهای اقتصادی" و اذعان به این که "دهه نود از لحاظ اقتصادی دهه خوبی نبود"، بعد از سه دهه اجرای سیاست اقتصادی تعدیل ساختاری و ویران کردن تولید ملی، بار دیگر روزهای

بهبتر و "حل مشکلات موجود" را وعده داد. واقعیت این است که وزارت اقتصاد دولت رئیسی با همراهی کامل اتاق بازرگانی با دور زدن شورای عالی کار و با دادن امتیازهایی به کارفرمایان بنگاه‌های خرد و کوچک به‌هدف جدا کردن آنان از خیزش مردمی و درحمايت از سرمایه‌داری کلان و انگلی، در جلسه‌های متعدد "شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی" از مقطع زمانی مردادماه تا کنون و در قالب به‌اصطلاح اصلاح بخش‌های مختلف قانون کار یورش گسترده به حقوق کار کارگران را آغاز کرده است. محتوای این یورش عبارتند از: جایگزین کردن مزد منطقه‌ای و حذف حداقل دستمزد سراسری، اصلاح "آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور" به‌منظور حذف ۴ درصد پرداختی کارفرمایان به سازمان تأمین اجتماعی به‌بهانه اشتغال‌آفرینی، خصوصی‌سازی بانک رفاه کارگران به‌بهانه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، افزایش سن بازنشستگی به ۶۵ سال، حذف ۸ ساعت کار روزانه، یورش به سازمان تأمین اجتماعی و خصوصی‌سازی درمان، و جز این‌ها هدف رژیم ولایتی سرکوب کارگران و حذف طبقه کارگر از خیزش کنونی انقلابی و مردمی‌ست.

عضو ارشد کارگری شورای عالی کار با آگاه شدن از هدف‌های "شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی"، روز ۲۳ آبان‌ماه، برگزاری جلسه‌های این شورا را "توطئه" علیه کارگران و منافع آنان توصیف کرد و گفت: "با قاطعیت عنوان می‌کنم اتاق بازرگانی و شورای گفتگو صلاحیت رسیدگی به مسائل کارگران را ندارند و مسائل کارگری در حیطه اختیارات آن‌ها نیست." مدتی پیش ابراهیم رئیسی تشکیل کمیته‌ای برای رسیدگی به امنیت شغلی کارگران و سرگرم کردن رهبران تشکل‌های رسمی کارگری را به وزیر کار قبلی دستور داد. عضو دیگر شورای عالی کار و رئیس کمیته دستمزد تشکل زرد و بدنام شورای اسلامی کار نیز روز ۴ آذرماه در مورد امنیت شغلی و معیشت کارگران و درعین حال در چارچوب سیاست حفظ نظام، گفت: "اگر ادعا می‌کنند برای امنیت شغلی کاری کرده‌اند، صحت ندارد، فقط بوروکراسی و نشست‌های بی‌حاصل بوده، امنیت شغلی به محاق فراموشی سپرده شده؛ و درباره معیشت هم صحبت نمی‌کنند." در کنار اظهارات دلسوزانه عضوهای ارشد تشکل‌های زرد برای وضعیت کارگران و با وجود اینکه تورم لگام گسیخته در قیمت مواد خوراکی، هزینه اجاره‌بهای مسکن، و درمان، وضعیت گذران زندگی کارگران بسیار دشوار کرده است، روزنامه اعتماد، ۶ آذرماه، نوشت: "چرا شورای عالی کار، فوریت امر ترمیم مزد کارگران را درک نمی‌کند و حتی در گفتمان‌سازی از ادبیات جایگزینی مانند 'جبران قدرت' ادامه در صفحه ۴

مبارزه زحمتکشان: از حق تشکلیابی و حقوق صنفی گرفته تا تدارک اعتصاب‌های کارگری!

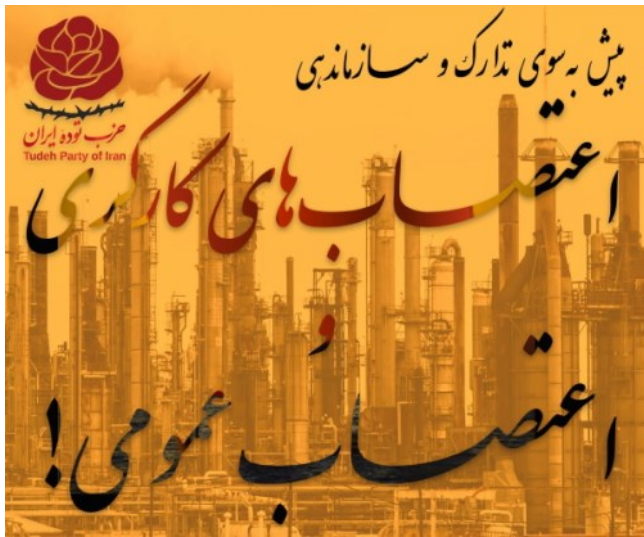
نظری به پویه بازسازی بنیه جنبش کارگری سندیکایی میهن ما

رشد اعتراض و اعتصاب‌های کارگری به‌ویژه اعتصاب در ذوب‌آهن اصفهان و نیز اعتصاب کامیون‌داران در برخی مناطق از ویژگی‌های سومین ماه اعتراض‌های مردمی کنونی است. از این رو بررسی چگونگی مسیر ارتقای مبارزات کارگری و توجه به روند بازسازی بنیه جنبش سندیکایی زحمتکشان اهمیت جدی دارد. اجرای برنامه جراحی اقتصادی هم‌زمان با سرکوب اعتراض‌ها بخش‌های عمده سیاست چندوجهی جمهوری اسلامی در مقابله با جنبش اعتراضی سراسری در مقطع زمانی کنونی هستند. تعدیل ساختاری توأم با خفه کردن هرصدای حق‌طلبانه در محیط‌های کارگری و جلوگیری از حق تشکلیابی، در چهارده گذشته بر کمیّت و کیفیت اثرگذاری سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر، توان مبارزاتی، و قدرت مانور آن تأثیر داشته و بسیار تضعیف کرده است. اما این بدان معنا نیست که مبارزه و مقاومت زحمتکشان منجمد و جنبش

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی پیوند دادن مبارزات کارگری با جنبش همگانی علیه دیکتاتوری ولایتی،

تحریم، و مداخله امپریالیسم و برای برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!



اصلی‌ای بود که می‌شد بر پایه آن توان پویه بازسازی جنبش کارگری سندیکایی را ارزیابی کرد. در جریان مبارزه کارگران برای لغو خصوصی‌سازی همراهی و همدلی لایه‌های تهی‌دست جامعه و زحمتکشان فکری را با این خواست طبقه کارگر می‌توانیم ببینیم. رشد اعتصاب‌ها و بهبود در سازمان‌دهی آن‌ها در قیاس با پیش از آن، مسیر موفقیت‌آمیز بازسازی توان جنبش سندیکایی را نشان می‌دهد.

دولت ابراهیم رئیسی وظیفه حکومتی‌اش را با حمایت از اتاق بازرگانی و تکیه به آن و جراحی اقتصادی با حذف ارز دولتی آغاز کرد. دولت رئیسی با توجه به خیزش‌های مردمی دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸، برنامه آزادسازی قیمت‌ها را در پوششی از دروغ و عوام‌فریبی و گام به‌گام اجرا کرد. به‌این ترتیب، از سال‌های دهه ۱۳۸۰ تا کنون روند بازسازی جنبش سندیکایی مرحله به‌مرحله رشد کرده و ارتقا یافته است. رشد اعتصاب‌های محلی، مخالفت با تعطیلی کارخانه‌ها، مبارزه با پدیده ویژه حاکمیت ولایت یعنی مزد معوقه، مخالفت با قراردادهای موقت و برنامه اخراج کارگران زیر نام تعدیل نیروی کار، مبارزه بر ضد قوانین و مقررات در مناطق آزاد تجاری، رشته‌اعتصاب‌های اثرگذار در واحدهایی مانند هپکو، فولاد اهواز، هفت‌تپه، پالایشگاه کرمانشاه، اعتراض‌های سازمان‌یافته کارگران و تکنیسین‌های صنعت برق و شرکت توانیر، اعتصاب‌های کارگران ابنیه راه‌آهن، حضور و فعالیت ستایش‌برانگیز فرهنگیان علیه خصوصی‌سازی نظام آموزشی، و همچنین مبارزه پرستاران همراه با اعتصاب‌های پراهمیت کارگران پیمانی و پروژه‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، نمونه‌هایی از پویه بازسازی جنبش سندیکایی و حرکت آن به‌پیش هستند.

با آن‌چه به‌آن‌ها اشاره شد می‌توان این نتیجه را به‌دست داد که برخلاف برخی محفل‌های ناامید و روشنفکران نابردبار جنبش کارگری در حالت انفعال منجمد نشده است. جنبش کارگری و سندیکایی به‌حرکت خود ادامه می‌دهد. باید با فعالیت روشنگرانه انقلابی از هرباره به‌تقویت آن یاری رساند. نکته‌ای را در پایان ضروری است بر آن تأکید کنیم و آن اینکه، اعتصاب غذای چندروزه کارگران و کارکنان رسمی صنعت نفت در حداقل ۳۷ سکوی نفت و گاز با خواست اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات صنعت نفت، درخور توجهی جدی‌ست! در گرماگرم پیگردها و کشتار مردم بی‌دفاع و شتاب ماشین سرکوب با مصوبه‌های مجلس و دولت، این اعتصاب غذا یا دقیق‌تر گفته باشیم این حرکت اعتراضی به‌ظاهر که‌رمق حاوی پیامی با مضمونی طبقاتی است. آیا حرکت کارگران و کارکنان رسمی صنعت نفت با پافشاری بر این امر که چرا مجلس (مجموعه حکومت) به‌سرعت افزایش ۲۰ درصدی حقوق نیروهای انتظامی، امنیتی، و نظامی را تصویب می‌کند اما بیش از ۱۰ سال است که به قانونی که مصوب شده، یعنی اجرای ماده ۱۰ عمل نمی‌کند نباید پیام طبقه کارگر به ماشین سرکوب رژیم ارزیابی شود؟ تجربه تاریخی به‌ویژه تجربه اعتصاب کارگران صنعت نفت در سال ۱۳۵۷ تأیید‌کننده این واقعیت است که باید این حرکت اعتراضی را دربر دارنده پیام طبقاتی‌ای مبارزه‌جو ارزیابی کنیم. همچنین اعتصاب کوتاه مدت کارگران ذوب آهن اصفهان معنایی جز اشاره مستقیم به رویگرداندن آنان از دیکتاتوری حاکم نداشته و ندارد.

## ادامه مبارزه زحمتکشان: از حق تشکل‌یابی ...

سندیکایی از حرکت بازیستاده بود. از سال‌های دهه ۱۳۷۰ و با شروع کار دولت رفسنجانی، جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی در فضایی به‌شدت پلیسی نخستین گام‌ها را به‌سمت ترمیم بنیه‌شان سازمان‌دهی کردند. به‌دیگر سخن، پس از سرکوب‌های خونین سال‌های دهه ۱۳۶۰ و هم‌زمان با اجرای برنامه تعدیل ساختاری از سوی دولت رفسنجانی و رواج قراردادهای موقت، پویه ترمیم جنبش سندیکایی، جنبشی که در دریایی از خون غرق شده بود، ابتدا به‌صورت پراکنده و بر اساس غریزه طبقاتی آغاز و سپس بر پایه آگاهی و سنت‌های مبارزه طبقاتی حیاتی دوباره یافت. مهم‌ترین خصیصه جنبش کارگری رابطه سرشتی‌اش با کنش و واکنش‌های صحنه سیاسی و تحول در آرایش طبقاتی جامعه بوده است.

رخدادهای دوم خرداد سال ۱۳۷۶ به‌رشد و گسترش اعتراض‌های کارگری منجر شد و جوانه‌های کارزار برپایی اعتصاب در بدنه جنبش اعتراضی زحمتکشان به‌بار نشست. شکل‌گیری هیئت مؤسس سندیکاهای کارگری و پایه‌گذاری سندیکاهای مستقل و حرکت‌های سندیکایی نشانه‌هایی از روند بازسازی بنیه جنبش کارگری و سندیکایی بودند. فراموش نکنیم پذیرش و اجرای برنامه تعدیل ساختاری در جمهوری اسلامی در متن رویدادهای بین‌المللی صورت گرفت. در آن دوره زمانی جبهه جهانی سرمایه با توسل به نظم نوین جهانی و نظام تک‌قطبی پس از فروپاشی اتحاد شوروی، ضربه‌هایی جدی به‌جبهه جهانی کار وارد آورده بود. حکومت جمهوری اسلامی بر پایه سرشت اسلام سیاسی‌اش فرمانبرداری از فرمان‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را محتوای سمت‌گیری اقتصادی اجتماعی خودش قرار داد. به‌این ترتیب، رژیم ولایت فقیه جایگاه و نقش خویش در تقسیم کار سرمایه جهانی و رابطه با امپریالیسم را بازتعریف و بر آن تأکید می‌کند.

دولت محمد خاتمی که به دولت اصلاحات شهرت یافت، در زمینه برنامه‌های اقتصادی‌اش خلاف فرمان‌های نهادهای سرمایه‌داری جهانی عمل نکرد. طرح نوسازی صنایع، برنامه اصلاحات ساختاری با شعار تأمین امنیت سرمایه تدوین و اجرا شد. در ادامه این برنامه، مجلس ششم (با اکثریت نمایندگان اصلاح‌طلب) به لایحه خارج کردن کارگاه‌های با ۱۰ نفر شاغل از شمول قانون کار رأی مثبت داد و بر منافع طبقه کارگر و زحمتکشان لطمه‌ای بزرگ وارد آورد. در این دوره نیز روند بازسازی بنیه جنبش سندیکایی با فراز و فرود ادامه یافت و مبارزه بر سر تأمین امنیت شغلی و مزد عادلانه در سطح تمام کارگاه‌ها و کارخانه‌ها جریان یافت. دولت احمدی‌نژاد پس از دولت خاتمی به‌دست ولی فقیه سکان‌دار قوه مجریه شد. طرح تحول اقتصادی با محور قرار دادن آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی و زیر نام هدفمندی یارانه‌ها به‌وسیله دولت ضد ملی و ماورای راست احمدی‌نژاد به‌اجرا درآمد. در این دوره برخلاف دوره خاتمی فشار بر جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی شدت بیشتری گرفت. اما هم‌زمان نیز پویه ترمیم توانایی‌های جنبش سندیکایی ادامه یافته و در برخی زمینه‌ها به‌واسطه فداکاری فعالان سندیکایی امکان رشد پیدا کرد.

کودتای انتخاباتی سال ۸۸ فضای سیاسی و اجتماعی بر روند بازسازی جنبش سندیکایی اثر گذاشت و مجال برای آن را تنگ‌تر کرد. یکی از ویژگی‌های این دوره به‌موازات به‌وجود آمدن فاصله طبقاتی بیشتر و فقیرتر شدن طبقه کارگر، ریزش نیرو در تشکل‌های زرد حکومتی و انزوای رهبری فاسد این تشکل‌هاست. چنین ریزشی موفقیت نسبی در جهت بازسازی بنیه جنبش سندیکایی در جامعه را را پدید آورد. دولت حسن روحانی به‌اجرای برنامه تعدیل ساختاری ابعادی گسترده‌تر بخشید. آزادسازی مزد که در دولت‌های پیشین با چراغ خاموش دنبال می‌شد صورتی علنی‌تر به‌خود گرفت. پاسخ طبقه کارگر دامنه‌دار کردن اعتراض‌ها و تمرکز بر خواست خصوصی‌سازی بود. در این دوره مبارزه بر ضد خصوصی‌سازی از شاخص‌هایی

## چالش‌های بخش درمان و بهداشت کشور و منافع پرستاران

فقر و دشواری وضعیت گذران زندگی شماری عظیم از جمعیت کشورمان نتیجه اجرای سیاست تعدیل ساختاری در بیش از سه دهه اخیر است. با اجرای مداوم تعدیل ساختاری، درمان و بهداشت کشور به مرز فروپاشی کامل رسیده و مردم زیر بار هزینه‌های سنگین درمان و دارو کمرشان خم شده است. بنابه آمار رسمی، هزینه درمان بیش از ۳ میلیون ایرانی را به‌زیر خط فقر کشانده است. بیش از ۴۰ درصد هزینه خانوارهای شهری صرف هزینه درمان می‌شود. این یک روی فاجعه‌ای است که بر سر بخش بهداشت و درمان کشور آمده است. روی دیگر این فاجعه وضعیت وخیم زحمتکشان شاغل در این بخش به‌ویژه پرستاران کشور است.

بر اساس گفته دبیرکل خانه پرستار، حدود ۱۷ نوع مختلف "قرارداد کار" برای اشتغال در بخش پرستاری وجود دارد که قراردادهای "شرکتی" نیز برای بخش دولتی در مان در سال ۱۳۹۲ به فهرست این قراردادها اضافه شد. پرستاران شرکتی دستمزد مصوب وزارت کار را دریافت می‌کنند. در کشور حدود ۱۰۰ هزار پرستار بیکار و حدود ۲۰۰ هزار پرستار شاغل وجود دارند که بیش از نیمی از آنان یعنی بیش از ۱۰۰ هزار نفرشان شرکتی و فاقد قراردادهای کار با دوام هستند. با این وصف، در حالی که در سال‌های دهه ۱۳۸۰ حدود ۵ هزار فارغ‌التحصیل پرستاری داشتیم، به‌پهانه کمبود نیروی پرستاری، ظرفیت رشته پرستاری به ۱۱ هزار فارغ‌التحصیل افزایش یافته است. به‌عبارت دیگر، پرستاران را نه‌فقط با دادن دستمزد و مزایایی ناچیز و بستن قراردادهایی موقت با آنان بهره‌کشی می‌کنند، بلکه به‌وسیله به‌وجود آوردن نیروی پرشمار و عظیم از پرستاران بیکار نیز به‌استثمار آنان دست می‌زنند. مانند دیگر کارگران "شرکتی" و "ارکان ثالثی" در صنایع نفت و گاز و بدون کوچک‌ترین امنیت شغلی، کارکنان دانشگاه‌های علوم پزشکی و بیمارستان‌ها (پرستاران) نیز حدود دو سال است که منتظر تصویب "طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت" و حذف واسطه‌ها و پیمانکاران و رفع تبعیض و تحقق قانون "کار یکسان - مزد یکسان" هستند. نمایندگان مجلس تصویب این لایحه در صحن علنی مجلس در هفته اول آذرماه و تبدیل وضعیت شغلی پرستاران قرارداد موقت و غیررسمی به قرارداد دائم را بار دیگر وعده داده‌اند. مانع اصلی تصویب و اجرای این طرح و انجام این وعده تا کنون بهانه داشتن "بارمالی" برای دولت و به‌اصطلاح سازمان امور استخدامی دولت رئیسی بوده است. اما عباس گودرزی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، بار دیگر در روز ۶ آذرماه گفت: "این طرح بار مالی ندارد... برعکس به دولت کمک هم می‌کند... پولی که به پیمانکار می‌دهید به خود پرسنل و نیروهای شاغل در نهادها بدهید."

بر اساس گفته رئیس کل سازمان نظام پرستاری، در طرح تحول سلامت بین ۳ هزار تا ۷ هزار نوع تعرفه برای پزشکان تعریف شده و به آنان تعلق گرفته است. در این طرح اما تقریباً هیچ نوع تعرفه‌ای برای پرستاران تعریف نشده و به آنان تعلق نگرفته است. همچنین بنا به گفته دبیرکل خانه پرستار، حدود ده هزار خدمت پزشکی با فرمولی که از سال ۱۳۷۶ وجود داشته محاسبه می‌شوند. بعد از مدت‌ها معطلی در اجرای قانون تعرفه‌گذاری، اواخر دولت قبل (دولت حسن روحانی) اجرای قانون در سال ۱۴۰۰ را وعده دادند. اما در نهایت امر روز ۱۷ آبان‌ماه ۱۴۰۱ دبیرکل خانه پرستار گفت: "قانونی که قرار است اجرا شود مورد اعتراض ماست... قانون تعرفه‌گذاری قرار بود اختلاف را کم کند که با این تعرفه‌گذاری، نته‌تها این اختلاف کم نمی‌شود بلکه بیشتر هم می‌شود." در این مورد روز ۳۰ آبان‌ماه قائم‌مقام خانه پرستار از شرکت ندادن نمایندگان واقعی پرستاران و "صفر تا صد" جا زدن شیوه‌نامه قاصدک به‌جای تعرفه‌گذاری و پرداخت به‌اصطلاح "کارانه قاصدک" خبر داد. در زمانی که ده‌ها پرستار به‌علت انجام وظیفه در دوره شیوع و گسترش همه‌گیری کرونا جان می‌باختند کارگزاران رژیم اجرای تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری را نشدنی عنوان کردند و به‌اصطلاح "طرح قاصدک" که میزان کارانه را براساس "اضافه کار، ساعات موظفی و... تعیین می‌کرد" به پرستاران ارائه کردند. روز ۱۷ آبان‌ماه سال جاری دبیرکل خانه پرستار گفت: "اگر محدودیت منابع وجود دارد چرا سقف کارانه پزشکان را یک‌شبه ۶۰ میلیون تومان بالا می‌برند اما تعرفه پرستاران را ۱۵ سال اجرا نمی‌کنند." در اوضاع و احوالی که اعتباری ۷ هزار میلیارد تومانی برای "پرداخت فوق‌العاده ویژه به کارمندان [دولت]" تا مرز پنجاه درصدی "را تأمین کرده‌اند، به گزارش ۷ آذرماه ایلنا و گفته‌های دبیرکل خانه پرستار، اعتباری صرفاً "هزار میلیارد تومانی" برای تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری اختصاص دادند و پرستاران بیمارستان‌های تأمین اجتماعی، نیروی مسلح، خیریه، از همین تعرفه‌گذاری ناقص و ناکافی نیز محروم شدند. از میان برداشتن تبعیض ضد انسانی رژیم زن‌ستیز و فاسد ولایی و تأمین حقوق پرستاران با همگامی با جنبش مردمی و مبارزه‌ای متحد ممکن خواهد شد.

### ادامه جنبش اعتصابی کارگران در سال ۵۷ ...

با خواست‌هایی نظیر توقف گرانی‌ها و آزادی زندانیان سیاسی به‌یکدیگر پیوند خوردند. همچنین خواست پایان دادن به تسلط ساواک بر امور کارگاه‌ها و مؤسسه‌های تولیدی و داشتن حق تشکل سندیکایی بدون مداخله دولت و ساواک در صدر مطالبه‌ها بودند. به‌دنبال اعتصاب کارگران صنایع نفت، اعتصاب در کارخانجات نساجی به‌صورت محلی و کوتاه‌مدت آغاز و به‌تدریج تا پایان مهرماه سال ۵۷ زمینه اعتصاب سراسری صنایع نساجی فراهم شد. در اواسط مهرماه اعتصاب کارگران و کارمندان صنعت ترابری یعنی حمل‌ونقل مانند راه‌آهن، تاکسی‌رانی شهری و به‌دنبال آن‌ها کارکنان هواپیمایی ملی ایران به‌صورت محلی شروع شد. در همین زمان ۳۴ هزار کارگر و کارمند راه‌آهن ملی ایران اعتصابی ۵ روزه را برگزار و دولت را به‌پذیرش خواست‌های صنفی‌شان وادار کردند.

اعتصاب‌های مهرماه و آبان‌ماه ۵۷ به‌سرعت از صنایع و رشته‌های تولیدی و ترابری به دیگر رشته‌ها نیز سرایت کرد. کارگران بندرها و گمرک‌ها ابتدا در جنوب و سپس در شمال کشور اعتصاب‌هایی چندروزه اما پیروزمند به‌حفاظ صنفی را سازمان دادند. از ۱۵ تا ۱۹ مهرماه سی هزار کارگر و کارمند مخابرات اعتصاب کردند. دولت در برابر این اعتصاب متحد مجبور به پذیرش خواست‌های صنفی آنان شد. از دوازدهم مهرماه هم‌زمان ۱۰ هزار کارمند و کارگر پست به‌ویژه کارگران نامه‌رسان دست به اعتصاب زدند و در حمایت از آنان هم کارکنان و کارمندان پست‌وتلگراف در سراسر کشور اعتصاب یک‌روزه‌ای را برپا کردند.

گسترش اعتصاب‌ها ابتدا به‌صورت رشته‌ای و محلی و سپس سراسری ویژگی چهارم جنبش اعتصابی سال ۵۷ بود. اعتصاب از رشته‌های مختلف صنعتی و خدماتی آغاز شد و در مسیر خود به اعتصابی سراسری انجامید. در همین مقطع زمانی کارگران بخش خصوصی مانند کارگران گروه صنعتی بهشهر و کارگران شرکت‌های پیمانکاری پروژه‌های شهری و صنعتی به اعتصاب‌ها پیوستند. موج اعتصاب بخش خصوصی را نیز به‌سرعت فراگرفت. ویژگی پنجم جنبش اعتصابی کارگران در سال ۵۷ برخوردار بودن آن از سطحی معین از سازمان‌دهی و همبستگی بود. سندیکالیست‌ها و فعالان کارگری در این دوره با تلفیق مبارزه و حضور در سندیکاهای زرد و فعالیت در کمیته‌های اعتصاب و شوراهای اعتصاب در صنایع مختلف رهبری اعتصاب‌ها را برعهده گرفتند. اعتصاب‌های سال ۵۷ قدرت و نیرومندی طبقه کارگر و زحمتکشان بدی و فکری در تأمین منافع‌شان و همچنین منافع مجموعه جنبش ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی را با کاربرد سلاح اعتصاب به‌نمایش گذاشتند. قدرت و نیرومندی‌ای که ماشین سرکوب خونین شاه هم حتا نتوانست بر آن را غلبه کند.

ششمین ویژگی، هماهنگی در طرح خواست‌های رفاهی و سیاسی در چارچوب مصالح و منافع طبقه کارگر بود. باید یادآور شد که سلطه استبداد و نفوذ امپریالیسم پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ کارگران و زحمتکشان را در معرض استثمار شدید و هم‌زمان محروم ساختن آنان از حقوق صنفی و سندیکایی‌شان قرار داده بود. هماهنگی در طرح خواست‌های رفاهی و سیاسی در چارچوب مصالح صنفی به‌عنوان مسئله مرکزی در اعتصاب‌های مهرماه ۵۷ تصادفی نبود، این امر کاملاً قانونمند بود. اعتصاب‌های سال ۵۷ به حیات ننگین دیکتاتوری شاه پایان داد. تجربه سال ۵۷ توجه به ویژگی‌های آن برای بیکار امروز به‌ویژه در راه تقویت جنبش کارگری و سندیکایی و تدارک و سازمان‌دهی اعتصاب‌ها پراهمیت است. از این تجربه‌ها باید خلافتان بهره برد. گنجینه گران‌بهای سنت‌ها و تجربه‌های انقلابی و طبقاتی جنبش سندیکایی و تاریخچه پرافتخار آن را باید حفظ کرد و ویژگی‌هایش را برای نسل نو مبارزان جنبش کارگری و جوانان باید بازگو کرد و بازشناساند.



## خواست کارگران راه آهن: خصوصی سازی را متوقف کنید!

حکومت جمهوری اسلامی با اطاعت از فرمان‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی خصوصی سازی در همه عرصه‌های اقتصادی، آموزشی، بهداشت و سلامت را به‌خشن‌ترین شیوه‌ها به پیش می‌راند و با ادامه برنامه جراحی اقتصادی معضل‌ها و چالش‌های ایجاد شده بر سر راه کارگران و زحمتکشان میهن‌مان را پرده‌نارتر کرده است.

ارزان سازی مزد کارگران و زحمتکشان، ممانعت از احیا و ایجاد تشکله‌ها و سندیکاهای مستقل کارگری، بازداشت فعالان کارگری، سرکوب وحشیانه اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری، همگی مجموعه‌ای از اقدام‌های ضد ملی و ضد مردمی‌ای کاملاً آشکار هستند. این اقدام‌ها نشان می‌دهند که رژیم به هیچ وجه تمایلی به انجام تغییرات یا عقب نشینی از دستورهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی ندارد.

کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن، مانند کارگران دیگر بخش‌های صنعتی و خدماتی، از پیامدهای این سیاست‌های ضد مردمی در امان نمانده‌اند. از زمان واگذاری خطوط ابنیه فنی به بخش خصوصی و حضور پیمانکاران در این عرصه، حقوق و مزایای کارگران ابنیه فنی همراه با تاخیر، قسطی، حداقلی، و تبعض مزدی در بین کارگران بخش‌های مختلف راه آهن پرداخت می‌شود. از وعده‌های مبنی بر استخدام دائمی و اجرای طرح تبدیل وضعیت شغلی و استخدامی هنوز خبری نیست و تا کنون پوچ و توخالی بوده‌اند. کارگران ابنیه فنی راه آهن و دیگر بخش‌های آن در اعتراض‌ها و اعتصاب‌های گوناگون اخیر یک‌صدا خواهان حذف پیمانکار، پایان دادن به خصوصی سازی، و تأمین امنیت شغلی‌شان بوده‌اند. کارگران ابنیه فنی و مجموعه کارگران و کارکنان راه آهن ملی ایران می‌توانند در پیوند و اتحاد با دیگر کارگران و زحمتکشان و با سازمان‌دهی و تدارک اعتصاب ضمن یاری رساندن به جنبش سراسری مردم علیه رژیم دیکتاتوری حاکم به حقوق به‌یغما رفته‌شان دست پیدا کنند. پایان دادن به خصوصی سازی در راه آهن ملی، حذف پیمانکاران، افزایش مزد، امضای قرارداد دائمی، و بازگشت تمامی بخش‌های خصوصی سازی شده راه آهن به بخش دولتی همراه با احیای سندیکای کارگران راه آهن از خواست‌های کارگران و کارمندان راه آهن کشور است.

### ادامه تیغ دیکتاتوری ...

خرید از دست رفته استفاده می‌کنند، عبارتی که می‌تواند به معنای راهکارهای جایگزین منهای افزایش دستمزد باشد. "دولت رئیسی در حالی با ترمیم مزد کارگران در نیمه دوم سال مخالفت می‌کند که خبرگزاری ایلنا، ۷ آذرماه، گزارش می‌دهد: علاوه بر افزایش "ده تا بیست درصدی" مزد شاغلان صندوق‌های کشوری و لشکری از مهرماه، با تأمین اعتباری ۷ هزار میلیارد تومانی برای ترمیم مزد برخی در لایحه اخیر ترمیم حقوق "احتمال پرداخت فوق‌العاده ویژه به کارمندان تا مرز پنجاه درصد وجود دارد." در زمانی که کارگران با دریافت دستمزدی معادل یک‌چهارم خط فقر به "ترمیم دستمزد" نیازی شدید و بی‌درنگ دارند وزیر کار در جلسه شورای عالی کار مورد اشاره بار دیگر وعده ترمیم مزد را به جلسه آینده موکول کرد. راهکار دستیابی به خواست افزایش مزد سازمان‌دهی اعتصاب و همراهی با خیزش مردمی کنونی است. راهکاری که رهبران فاسد تشکلهای زرد حکومتی حتا جرئت اشاره کردن به آن را ندارند.



### گوشه‌ای از مبارزه کارگران و کارکنان بخش خدمات آمریکا



سازمان‌دهی اعتصاب از سوی کارگران قهوه‌فروشی زنجیره‌ای استارباکس مردم اعتصاب آنان را "شورش فئوجان سرخ‌ها" لقب داده‌اند زیرا قهوه را در فئوجان‌های قرمز رنگ و با شعار: "کارگران استارباکس متحد شوید" به‌مشتریان می‌دهند. کارگران استارباکس نخستین روز اعتصاب‌شان را در بیش از ۱۰۰ مغازه از مغازه‌های زنجیره‌ای استارباکس در سراسر آمریکا آغاز کردند. "برندی الدوک" که چهار سال است در فروشگاه استارباکس در منطقه کووینز، واقع در نیویورک، کار می‌کند خاطر نشان کرد: "حضور امروزی ما اینجا به دلیل اجتناب این شرکت برای مذاکره با اتحادیه ماست. به دلیل کمبود پرسنل و نیز دیگر شرایط نامناسب کاری در فروشگاه‌ها ما اینجا هستیم." رسانه‌های گروهی گزارش داده‌اند: "کارگران و کارکنان قهوه‌فروشی استارباکس اعتصاب خود را "شورش فئوجان سرخ‌ها" نام نهاده‌اند و به مشتریان قهوه را در فئوجان سرخ رنگ و با شعار: کارگران استارباکس متحد شوید، می‌دهند." برندی اضافه می‌کند: "این بزرگ‌ترین تظاهرات هماهنگ شده در در تاریخ معاصر کشور است که اتحادیه کارگران فروشگاه‌های استارباکس انجام می‌دهند." اتحادیه کارگران با وجود مخالفت مدیریت شرکت استارباکس از دسامبر ۲۰۲۱ (آذرماه ۱۴۰۰) تصمیم به اعتصاب گرفته‌اند. هم‌اکنون این اتحادیه ۷۰۰۰ کارگر از ۲۵۰ فروشگاه استارباکس را نمایندگی می‌کند. استارباکس، ۱۷ هزار شعبه در سراسر ایالات متحده آمریکا دارد. ۷۰ هزار کارگر در ۹ هزار فروشگاه این شرکت کار می‌کنند و در ارتباط مستقیم با آنان است. کارکنان هر کافه تریا برای پیوستن به اتحادیه باید درخواست رای‌گیری کنند و اگر اکثریت آوردند وارد اتحادیه می‌شوند. بنا به گفته اتحادیه، مدیریت روابط کارگری (ان-ال-ار-بی) که سازمانی مستقل در دولت فدرال بوده و برای حفاظت از حقوق کارگران در بخش خصوصی برای تشکیل اتحادیه است تا به حال ۳۹ شکایت نامه رسمی برای بیش از ۹۰۰ مورد نقض عمده حقوق کارگران بر علیه این شرکت صادر شده است. گفتنی است که بازار قهوه حدود ۱٫۵۹۹ درصد جی-دی-پی آمریکا را تشکیل می‌دهد و دومین کالا بعد از نفت است که در بازار بورس آمریکا معامله می‌شود.

[ترجمه از: <https://www.telesurenglish.net/news/No-Union-Coffee-Workers-Go-on-Strike> Contract-No-Coffee-Starbucks-Workers-Go-on-Strike]

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۶۶

Nameh Mardom - Workers Supplement No.66

5 December 2022

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

